



کتاب‌هایی است که مدت‌ها در حسرتشان بودیم

# بخوانیم

ذهن‌شان داشته باشند و البته این پیشنهادهای بیشتر در حکم جرقه و تلنگرند و هرکس به فراخور حال خودش می‌تواند آن را شخصی‌سازی و به آن عمل کند. البته می‌دانیم که «کتاب‌گران است»، «زندگی سخت است»، «ای آقادت خوش است» و... کلی از این تکه کنایه‌ها، ولی خب شما اگر قرار بود در این ۱۴ روز در محل کار حاضر شوید! احتمالا باید مبلغی را بابت هزینه رفت و آمد در نظر می‌گرفتید، حالا همان مبلغ را بابت تهیه یک کتاب (نسخه کاغذی) تا چند جلد کتاب (نسخه الکترونیک) پرداخت کنید و ساعات خانه‌نشینی را به مطالعه و خواندن آغشته کنید و لذتش را ببرید. ضمناً دقت داشته باشید که نگفتم از هزینه بسته‌های سرسام‌آور اینترنت تلفن همراهتان بزنید، بلکه گفتیم از محل هزینه رفت و آمدتان به محل کار بابت کتاب‌ها خرج کنید و در این دو هفته با آن خلوت کنید. تلویزیون هم ببینید، فیلم سینمایی هم تماشا کنید، پیتزا و پیراشکی و نان خانگی هم درست کنید و تالنگ ظهر بخوابید، ولی آن وسط‌ها کتاب هم بخوانید.

حالا ما دیدیم در این فرصت بهترین کار این است که کتاب‌هایی را برای نمونه به شما پیشنهاد کنیم که شاید در روزهای عادی که گرم کار و تلاش هستیم نتوانیم سری به آنها بزنیم.

## با آدم‌های مهم معاشرت کنید

یادتان باشد قرار نیست هرچیزی را که شروع می‌کنید حتما در این فرصت دو هفته‌ای تمام کنید، بلکه این پیشنهادها و توصیه‌ها از این باب است که خواندن را شروع کنید و با مطالعه و کتاب رفاقت کنید. برای همین ممکن است کتابی را مدت‌ها باشد که بخواهید بخوانید، ولی موفق نشده باشید، اما در این موقعیت می‌توانید خواندنش را شروع کنید و بعد از این زمان هم ادامه بدهید.

خطرات روزنوشت آدم‌های مهم از آن کتاب‌هایی است که خواندنشان نیاز به حوصله دارد، ولی اگر این حوصله را بدهید نتیجه‌ای می‌گیرید که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. برای همین می‌توانید از امروز سراغ یکی از آنهایی که دلتان می‌خواسته یک روزی بخوانیدشان بروید و روزنوشت‌هایش را بعد از تعطیلات هم ادامه بدهید. مثلاً روزنوشت‌های مرحوم هاشمی رفسنجانی یا روزنوشت‌های اسدا... علم (وزیر دربار پهلوی) از کتاب‌هایی است که اگر به این گونه ادبی و تاریخی، روزنوشت، علاقه دارید می‌توانید بخوانید و در جریان اتفاقات و حتی پشت

پرده اتفاقات تاریخی قرار بگیرید. روزنوشت‌هایی که برای ثبت در تاریخ نوشته شده‌اند و امروز روایت متفاوتی از زمانه خود را بازگو می‌کنند. در واقع این کتاب‌ها این فرصت را برای خواننده‌اش فراهم می‌کنند که بایک آدم مهم در تاریخ معاشرت کند به واسطه کلمات!



## رمان خانه

گمان کردید ما گزارش‌مان را می‌بندیم بدون این که اشاره‌ای به رمان‌ها و داستان‌ها کرده باشیم. البته که بالاتر درباره هری پاتر حرف زدیم، ولی خب آن را برای نوجوان‌ها و علاقه‌مندان به سرگرمی معرفی کردیم، اما برای آنهایی که مشتاق و مخاطب آثار مشهور و مهم ادبیات جهان محسوب می‌شوند توصیه و برنامه دیگری داریم.

احتمالا هرکدام از ما گوشه کتابخانه و قفسه‌مان یک رمان چند جلدی شاخص از ادبیات جهان داریم که منتظر و مترصد فرصتی هستیم که دست بگیریم و دور از هیاهوی اطراف‌مان بخوانیم و در جهان کلماتش غرق شویم. هرکدام مان هم یک علاقه‌مندی و دلبستگی داریم. یکی دوست دارد «دُن آرام» آقای شولوخوف را بخواند و دیگری دلش می‌رود برای «خانواده تیبو» آقای دوگار که مرحوم ابوالحسن نجفی آن را ترجمه کرده است. حالا این تعطیلات این فرصت را برایمان فراهم کرده که بخوانیم. می‌توانیم در یک برنامه ریزی منسجم و هدفمند

به این آرزوی قدیمی جامه عمل بپوشانیم و یک کتاب از فهرست

خواندنی‌هایمان کم کنیم.

برای مثال همین دو کتابی که بالاتر نام بردم را در نظر بگیرید. دُن آرام حدود ۲۰۰۰ صفحه و خانواده تیبو حدود ۲۴۰۰ صفحه است. به طور میانگین با خواندن بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ صفحه در روز می‌توانید (این رقم برای موقعیتی که در خانه‌اید و وقت‌تان بازر است عدد پیچیده و بزرگی نیست) یکی از این دو کتاب را در همین فرصت بخوانید.

حالا این دو کتاب که مثال زدیم از آثار بزرگ و طولانی ادبیات جهان است (بعد از «جنگ و صلح» و «در جستجوی زمان از دست رفته») و کتاب‌های دیگر این حجم و اندازه نیستند و راحت‌تر می‌توان تمام‌شان کرد. در مجموع حالا فرصت خوبی است تا کتاب‌هایی که به دلیل طولانی بودن از خوانده شدن محروم مانده‌اند را بخوانیم و کارشان را یکسره کنیم تا بتوانیم برای خرید کتاب‌های بعدی عذاب وجدان کمتری داشته باشیم.



## بیایید «اسمشو نبر» بخوانیم

بالاتر گفتیم هری پاتر از آن کارهایی است که مخاطب کهنسال را هم می‌تواند جذب خودش کند و بیراه هم نگفتم. حالا می‌خواهم یک کتاب معرفی کنم که این بار مخاطب جوان را به خودش جذب خواهد کرد. ممکن است از همین الان این علامت سؤال بالای سرتان ایجاد شده باشد که مگر چه موضوع کتاب چیست که ممکن است جوان‌ها را به خودش جذب نکند؟ صبور باشید عرض خواهیم کرد.

«اسمشو نبر!» از آن موضوعاتی است که به هر جوان و نوجوان و به طور کلی جماعت نسل جدید که بگویی سریع بدون اطلاع با پیشداوری در برابرش گارد می‌گیرند و خودشان را با جوابی در این مایه‌ها که این موضوع برای روزها کوری و پیری است

خلاص می‌کنند و عطای خواندنش را به لقایش می‌بخشند و یا علی‌از تو مددا! جناب اسمشو نبر یا همان تاریخ از آن دسته موضوعاتی است که خشک و خشن لقب خوبی است برایش، ولی خب همیشه این طور نیست و بیاییم چشم‌هایمان را بشویم و جور دیگر ببینیم! مورخان و نویسندگانی هم هستند که جور دیگر نوشته‌اند و خواندن تاریخ را برایمان تبدیل به یک کار لذتبخش کرده‌اند. مثلاً همین جناب محمدعلی موحد که آثار بسیاری در باب مولوی و شمس و متون کهن عرفانی از خود به جا گذاشته‌اند گزارشی درباره نفت و ماجرای ملی شدن آن دارند که الحق آن قدر جذاب و گیرا نوشته شده که بعید است بخوانید و خوشتان نیاید. آن وقت است که با خودتان می‌گویید خوب شد نذاشتم برای روزگار پیری و کوری و در همین عهد شباب خواندم که اگر چنین می‌کردم از جمله پشیمان‌ها بودم که پشیمانی سودی ندارد.

«خواب آشفته نفت» برای ما که زندگی‌مان آغشته به نفت است حتما یک کتاب مهم است و البته پیر و جوان هم ندارد همه باید تاریخ بخوانند. □

